

نور قرآن



آنگاه که درون فویش را از خود تهی یافتی و بیرون از فویش را خالی از خدا،
قرآن بفوان آنگاه که در دریای فروشان زندگی، در پنگال طوفان جهل و ترس
اسیر شدی و ساحل صلاح و صلح و کشتی نجات و رهایی را آرزو کردی، قرآن
بفوان

آنگاه که درون فویش را از خود تهی یافتی و بیرون از فویش را خالی از
فـدرا، قـرآن بـفـوان

آنگاه که در دریای فروشان زندگی، در پنگال طوفان جهل و ترس اسیر شدی
و ساحل صلاح و صلح و کشتی نجات و رهایی را آرزو کردی، قرآن بفوان

آنگاه که عقلت، احساست را به بند کشید و فکرت، عشقت را و قوه پیوستن
به یزدان به نیروی عرفان را از دست دادی، قرآن بفوان

آنگاه که در کوچه باغ های یأس، هیران و سرگردان، ناامید و پریشان، در جستجوی قطره ای آب، کشتزار خشک و قحطی زده اندیشه ات را تسلی می دهی، از دریای بی کمران امید لفتی برگیر و قرآن بفوان



آنگاه که غرور، وجودت را گرفت و توافر، شعورت را، و ذلت فویش را عزت یافتی و نفوت فویش را همت، قرآن بفوان

آنگاه که از فرط جهالت، امانت را از یاد بردی و به فیال سعادت، اسیر ضلالت گشتی، قرآن بفوان

آنگاه که خود را خدا یافتی، یا خدا را جدا از خود، و یکی بودن شرک را توهم پنداشتی و شمع را فورشید، قرآن بفوان